

منادی اخلاق مداری

عطار نیشابوری عارف و شاعر برجسته ایرانی است که با سخن ساده و بی پیرایه مقاصد عرفانی خویش را به گوش جهانیان رساند...



عطار نیشابوری عارف و شاعر برجسته ایرانی است که با سخن ساده و بی پیرایه مقاصد عرفانی خویش را به گوش جهانیان رساند، شاعری که با بهره گرفتن از تمثیل‌ها و حکایت‌های گوناگون ادبیات نمادین را بنیان نهاد و با خلق آثار تاثیرگذار، شاعران نامداری چون مولانا و جامی را به زهد و ستایش واداشت.

فریدالدین ابوحامد محمد مشهور به شیخ عطار نیشابوری شاعر و عارف بلندآوازه ایرانی است که در سال ۵۴۰ هجری برابر با ۱۱۴۶ میلادی در قریه کدکن نیشابور به دنیا آمد. از دوران کودکی عطار اطلاعات دقیقی در دست نیست جز آنکه پدرش در شهر شادیاخ به شغل عطاری یا همان داروفروشی مشغول بوده است که در این شغل بسیار زبردست و ماهر نیز بوده است، پس از وفات پدر، فریدالدین کار پدر را ادامه می‌دهد و به شغل عطاری مشغول می‌شود، او در این هنگام نیز طبابت می‌کرده اما در خصوص آنکه شیخ نزد چه کسی طبابت را فراگرفته اطلاعاتی در دست نیست. درخصوص پشت پا زدن عطار به اموال دنیوی و در پیش گیری راه زهد، گوشه گیری و تقوا داستان‌های زیادی نقل شده است اما مشهورترین این داستان‌ها، آن است که عطار در محل کسب خود مشغول به کار بود که درویشی از آنجا گذر کرد درویش درخواست خود را با عطار میان گذاشت، اما عطار همچنان به کار خود می‌پرداخت و درویش را نادیده گرفت، دل درویش از این رویداد چرکین شد و به عطار گفت تو که تا این حد به زندگی دنیوی وابسته ای، چگونه می‌خواهی روزی جان بدهی؟ عطار به درویش گفت: مگر تو چگونه جان خواهی داد؟ درویش در همان حال کاسه چوبین خود را زیر سر نهاد و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

او پس از مشاهده حال درویش دست از کسب و کار کشید و به خدمت شیخ الشیوخ عارف رکن الدین اکاف که عارف معروف و صاحب نامی بود شرف یاب شده و به دست او توبه کرد و چندین سال به ریاضت و مجاهدت با نفس در خدمت آن عارف مشغول شد، عطار سپس قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند و از مکه تا ماوراءالنهر به مسافرت پرداخت و در این سفرها بسیاری از مشایخ و بزرگان زمان خود را زیارت کرد و در همین سفرها بود که به خدمت مجدالدین بغدادی رسید. گفته شده در آن هنگام که شیخ به سن پیری رسیده بود، بهاءالدین محمد، پدر جلال الدین بلخی هنگام سفر به عراق به همراه پسر خود به نیشابور رسید و توانست به زیارت شیخ عطار برود، شیخ نسخه ای از اسرارنامه خود را به جلال الدین که در آن زمان کودکی خردسال بود داد، عطار مردی پر کار و فعال بوده چه در آن زمان که به شغل عطاری و طبابت اشتغال داشته و چه در دوران پیری خود که به گوشه گیری از خلق زمانه پرداخته و به سرودن و نوشتن آثار منظوم و منثور خود مشغول بوده است.

آثار شیخ به دو دسته منظوم و منثور تقسیم می‌شود، آثار منظوم او عبارت است از دیوان اشعار که شامل غزلیات و قصاید و رباعیات است؛ مثنویات او عبارت است از الهی نامه، اسرارنامه، مصیبت نامه، وصلت نامه، بلبل نامه، بی سرنامه، منطق الطیر، جواهر الذات، حیدر نامه، مختار نامه، خسرونامه، اشترنامه و مظهرالعجایب. منطق الطیر را به عنوان برجسته ترین اثر عطار نیشابوری می‌توان نام برد، اسرارنامه، الهی نامه، حیدرنامه و مصیبت نامه از دیگر نوشته های این شاعر پرآوازه است. عطار نیشابوری را باید از سروده ها، غزلیات و رباعیاتش شناخت، به طور تقریبی بیشتر غزلیات وی عرفانی هستند و به لحاظ سبک شناسی، در شعرهایش سه نوع سبک عاشقانه، عرفانی و قلندرانه وجود دارد و برای دریافتن مفهوم آنها می‌بایست که به تاریخ ادبیات این دوره پرداخته شود.

شعر قلندرانه، جزئی از شعر غزل عرفانی به شمار می‌رود و به معنای بیان ضد ارزش های دنیوی و به دنبال بدنامی رفتن است و شاعر در این گونه ادبیات، ظواهر شریعت را به هیچ می‌انگارد و این شعر باور صوفیان ملامتگر را دربرمی‌گیرد، صوفیان ملامتگر در سده پنجم و ششم به منظور مخالفت با رواج مدح سرایی، ریاکاری و ظاهرسازی‌ها به دلیل استیلاي مغولان و زوال خوارزمشاهیان سنت ملامتیان را بنا نهادند که بعدها این سنت‌ها به فرقه ای بدل شد، در دوره عطار شعرهای ملامتی و قلندرانه بسیار رواج یافت و آثار این شاعر آینه ای تمام نما از این سبک و دیوان و مجموعه اشعار او شعرهایی در این قالب را در برمی‌گیرد که این سبک در زمان عطار به کمال خود می‌رسد.

عطار نیشابوری بیشتر مضامین خود را از سنایی گرفته اما نگاهی به تمامی شاعران پیش از خود نیز داشته است، به عنوان مثال مبنای غزلی وی بی شباهت به غزل‌های انوری نیست. عطار نیشابوری که همچون پدرش به پیشه عطاری مشغول بود در رویارویی با مشکلات و فقر مردم به درویش مسلکان پیوست و خرقة پوشی را از آن دوره آغاز کرد و شاعر معنا شد، پختگی و مفاهیمی که در شعرهای او دیده می‌شود نشان از آن دارد که این شاعر داستان‌ها را خوب درک کرده است و از ظواهر امر

گذشته تا بتواند به این پختگی و کمال برسد، به لحاظ سبک شناسی ۲ نکته ظریف که در دانشگاه ها بر آن تأکید می شود استفاده از تمثیل و نماد در آثار عطار نیشابوری به شمار می رود، او در سروده هایش، معنا را در برابر لفظ قرار می دهد، به کارگیری نماد به معنای کاربرد واژه ها و لفظ های خاص و تمثیل به مفهوم استفاده از داستان است، عطار در کتاب منطق الطیر خود و در داستان هدهد و میقات که به صورت تمثیلی مطرح می شود شخصیت انسان ها را در قالب مرغان بیان می کند و به شخصیت شناسی جامعه می پردازد.

در مورد وفات او نیز گفته های مختلفی بیان شده و برخی از تاریخ نویسان سال وفات او را ۶۲۷ هجری قمری، دانسته اند و برخی دیگر سال وفات او را ۶۳۲ و ۶۱۶ دانسته اند ولی بنا بر تحقیقاتی که انجام گرفته بیشتر محققان سال وفات او را ۶۲۷ هجری قمری می دانند، در خصوص چگونگی مرگ او نیز گفته شده که او در هنگام یورش مغولان به شهر نیشابور توسط يك سرباز مغول به شهادت رسیده که شیخ بهاءالدین در کتاب معروف خود کشکول این واقعه را چنین تعریف می کند که وقتی لشکر تاتار به نیشابور رسید اهالی نیشابور را قتل عام کردند و ضربت شمشیری توسط یکی از مغولان بر دوش شیخ خورد که شیخ با همان ضربت از دنیا رفت و نقل کرده اند که چون خون از زخمش جاری شد شیخ بزرگ دانست که مرگش نزدیک است.